

کتاب پژوهش کارگری

بهار ۲۰۰۱

شماره ۵



علی امید

نخستین
سازماندهندگان
تشکلات کارگری
در ایران



سید محمد دهگان



مهدی کیهرواد



محمد پروانه

بنیانگذار نخستین تشکل
مستجاب در ایران



بهار فولادی

کتاب پژوهش کارگری

بهار ۲۰۰۱

شماره ۵

جلیل محمودی

یادداشت‌هایی در باره رویدادها و موضوعات کارگری

در صنعت نفت چه می‌گذرد

یدالله خسروشاهی

جنبش کارگران صنعت نفت در چشم انداز تاریخی

جلیل محمودی

نخستین تشکلات کارگری در ایران

میترا ستی

خودمدیریتی کارگری در اسپانیا

کارل مارکس

گذشته، حال و آینده اتحادیه‌های کارگری

برگردان: کامران نبوی

کتاب پژوهش کارگری، شماره ۵، بهار ۲۰۰۶

مؤسسين؛ زنده ياد ميترا ستيرگ، ناصر سعیدی، يداله خسرو شاهي و جليل محمودی

مسئول کارهای فني و تدارکاتی: جليل محمودی

همکار پژوهش کارگری: فرید کاشف

این شماره زیر نظر شورای مؤسسين منتشر شده است.

آدرس:

Postlagerkarte
Nr. 093739 C
30001 Hannover
Germany

Beplish@flash.net

آدرس پست الکترونیکی:

آدرس پژوهش کارگری در اینترنت:

<http://www.Flesh.net/~beplish>

با سپاسگزاری از همه کسانی که در پربار نمودن و توزیع کتاب ما را یاری داده و

می دهند.

فهرست

صفحه	نگارنده	مطالب
۶	جنیل محمودی	یادداشت هایی در باره رویدادها و موضوعات کاریگری

مبارزه برای نان و آزادی
خانه کارگر ظاهر کنفرانسین اتحادیه های کاریگری به خود می گیرد
آمار و اعتراف تکان دهنده
تعیین حداقل دستمزد سال ۸۰

توضیح

جریان حرکت اعتراضی سال ۱۳۷۵
نقطه اوج مبارزات کارگران نفت (۲۸ بهمن ۱۳۷۵)
شرایط کنونی کارگران نفت

۴۱ یداله خسرو شاهی جنبش کارگران صنعت نفت در چشم انداز تاریخی

(خاطراتی از زندگی کارگران نفت - قسمت سوم)

مقدمه

دوران انقلاب

شکل گیری شوراهای نفت

عمل کرد و دستاوردهای شوراهای

موانع و ضعف های شوراهای

اساسی برخی از کارکنان صنعت نفت که اقدام شده اند

۸۲ جلیل محمودی نخستین تشکلات کارگری در ایران

توضیح

نخستین نمودهای حرکت کارگری در ایران

ایجاد اولین تشکل منظم کارگری

نگاهی به تشریح 'اتفاق کارگران'

تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران

سید محمد دهگان

روزنامه حقیقت

توضیح ناشر

گذرگهی به پیشینه تاریخی اسپانیا تا قرن ۱۹
 جنبش توده ای و کارگری در قرن نوزده
 فدراسیون منطقه ای اسپانیا (اف. آر. ای)
 انشعاب در فدراسیون منطقه ای اسپانیا
 جنبش کارگری اسپانیا پس از تلاشی اف. ای. ای
 (۱) گرایش سوسیالیستی
 (۲) گرایش آنارکوسندیکالیستی و آنارشستی
 تشکیل سی. ان. تی

گذشته، حال و آینده اتحادیه های کارگری
 کارل مارکس
 برگردان: کامران نیری

الف: گذشته اتحادیه های کارگری
 ب: شرایط کنونی اتحادیه های کارگری
 ج: آینده اتحادیه های کارگری

نمایه انتشارات پژوهش کارگری

۱۳۷

یادداشت هایی در باره رویدادها و موضوعات کارگری

جلیل محمودی



یکی از ده ها حرکت اعتراضی کارگران علاءالدین

مبارزه برای نان و آزادی

سال ۱۳۷۹ نیز مانند سال های ۷۷ و ۷۸ صدها کارخانه، مؤسسه و کارگاه صحنه اعتصاب و اعتراض کارگری بود. از جمله این واحدها می توان از شرکت علام‌الدین، کفش سه ستاره، کفش شادان پور، مبلیران، نخ کار، جواهریان، بهیوش، صنایع چوب ایران، جامکو، فرآورده های بنیاد بتون، ایران چیکا، کاشی گیلان، نساجی شمال، تن ساز، ترنج طلایی، گیلتان، شرکت ملی حفاری ایران و کارخانه سیمین اصفهان نام برد. برخی از مبارزات کارگری در چراید داخل کشور بازتاب گسترده ای یافت و در صدر اخبار سیاسی-اجتماعی ایران قرار گرفت؛ تظاهرات پر شکوه کارگران کارخانه سیمین اصفهان، مقاومت قهرمانانه و طولانی مدت کارگران علام‌الدین و اعتصاب و برخورد قاطع کارکنان شرکت ملی حفاری ایران از این جمله بودند.



کارگران در حال مسبود کردن جاده مخصوص تهران-خرج

کارگران شرکت علام‌الدین، تاکنون ۱۴ ماه تمام است که در مقابل پایمال نمودن حقوقشان و به تعطیل کشاندن کارخانه ایستادگی کرده اند. آن ها با وجود این که تشکلی ندارند و علیرغم انواع و اقسام فشارهایی که برای پراکنده ساختن آن ها در جریان است،

همبستگی خود را حفظ کرده و اجازه نداده اند خواسته ها و حقوقشان به دست فراموشی سپرده شود. کارگران به اشکال گوناگون مبارزه خود را پیش برده اند؛ به نهادهای مختلف دولتی شکایت کرده اند، اجتماعات مختلف ترتیب داده اند، در مقابل ساختمان بسیاری از وزارت خانه ها و مراکز دولتی از جمله وزارت صنایع و وزارت کار تجمع کرده اند، با وجود تهدیدهای مکرر مقامات امنیتی چندین بار جاده مخصوص تهران - کرج را مسدود نموده اند و در خیابان های تهران دست به راهپیمایی زده اند. جدیدترین ابتکار آن ها که خبر آن منتشر شده است، تظاهرات از خیابان آزادی به سوی میدان انقلاب بود که با واکنش مأمورین انتظامی رو به رو شد.

مبارزات کارگران علامالدین دارای خصوصیات بارزی است، اما یکی از ویژگی های مهمی که به آن شادایی می بخشد، پیگیری و تلاوم آن است. این مشخصه به حدی برجسته است که خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی نیز برای کنترل مبارزه کارگران ناچار شده اند خود را هم جهت با خواسته کارگران نشان دهند. روز چهارشنبه ۲۳ آذر ۷۹ کانون هماهنگی شورا های اسلامی کار تهران جلسه ماهیانه خود را در محل کارخانه علامالدین برگزار کرد و شعارهایی را به نفع کارگران سر داد. حتی برای جلب نظر کارگران به مدت ۱۰ دقیقه جاده مخصوص را مسدود کردند. هم چنین در این جلسه احمدی عضو کانون عالی شوراها پیشنهاد داد که در مقابل مجلس تجمعی اعتراضی ترتیب داده شود. وی حتی در این باره ظاهر قانون شکنانه به خود گرفت و گفت: اگر وزارت کشور مجوز داد که چه بهتر و اگر هم نداد باز هم ما تجمع مان را برگزار خواهیم کرد. موضع احمدی با عکس العمل خبرنگار روزنامه کار و کارگر رو به رو گشت، و به او هشدار داده شد که احساسات خود را کنترل کند.

مبارزه کارگران علامالدین، اعتراضی جدی علیه سیاست های خصوصی سازی رژیم جمهوری اسلامی هم است و می تواند مورد الهام سایر کارگران قرار گیرد. کارگران این شرکت خطاب به کارفرمای خصوصی شرکت فوق و هم چنین مقامات دولتی گفته اند: اگر شما عرضه راه اندازی شرکت را ننمایید، خودتان را کنار بکشید تا خود ما اداره آن را به عهده گیریم.

کارگران بنیاد بتون نیز همین موضع را گرفته اند. آن ها با ارسال طوماری به روزنامه کار و کارگر هشدار داده اند: «برای آخرین بار اعلام می کنیم، اگر مشکلات ما کارگران حل نگردد خودمان جهت فعال شدن شرکت اقدام می نماییم».

مسوولین توجه نمی کنند، خودمان راه اندازی می کنیم

گروه خبری: جمعی از کارگران شرکت بنیاد بتون با ارسال طوایفی به روزنامه کار و کارگر هشدار دادند مسوولین نسبت به راه اندازی این شرکت اقدام نمی کنند، همین نامه کارگران از نظر خودتاییدگان گرامی می گذرد.

بنیاد بتون وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان حدود یک ماه پیش به مسوولان و مراجع ذمه‌دار اسم از ریاست محترم بنیاد و مسوولین محترم وزارت کار و رفاه... اعلام کردیم که مدیران شرکت بنیاد بتون در یک اقدام غیرقانونی تولید را متوقف و شرکت را به صورت تعطیل درآورده‌اند و پیش از یکصد و پنجاه نفر از کارگران شرکت را به صورت بی‌کار و بلا تکلیف رها کرده‌اند و کسی جوابگوی کارگران نمی باشد و متأسفانه مسوولین و دست‌اندرکاران نیز نسبت به مشکلات ما بی تفاوت هستند لذا برای آخرین بار اعلام می کنیم اگر مشکلات ما کارگران حل نگردد خودمان جهت فصل شدن شرکت اقدام می نمایم.

با سلام
 احتراماً به استحضاری رساند ما کارگران شرکت

گروه خبری: جمعی از کارگران شرکت بنیاد بتون با ارسال طوایفی به روزنامه کار و کارگر هشدار دادند مسوولین نسبت به راه اندازی این شرکت اقدام نمی کنند، همین نامه کارگران از نظر خودتاییدگان گرامی می گذرد.

بنیاد بتون وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان حدود یک ماه پیش به مسوولان و مراجع ذمه‌دار اسم از ریاست محترم بنیاد و مسوولین محترم وزارت کار و رفاه... اعلام کردیم که مدیران شرکت بنیاد بتون در یک اقدام غیرقانونی تولید را متوقف و شرکت را به صورت تعطیل درآورده‌اند و پیش از یکصد و پنجاه نفر از کارگران شرکت را به صورت بی‌کار و بلا تکلیف رها کرده‌اند و کسی جوابگوی کارگران نمی باشد و متأسفانه مسوولین و دست‌اندرکاران نیز نسبت به مشکلات ما بی تفاوت هستند لذا برای آخرین بار اعلام می کنیم اگر مشکلات ما کارگران حل نگردد خودمان جهت فصل شدن شرکت اقدام می نمایم.

اعتصاب همبستگی و قاطعیت کارکنان شرکت ملی حفاری ایران در مقابل سپهرن این شرکت به بخش خصوصی نیز یکی از مهم ترین حرکات کارگری در سال ۷۹ بود. وزارت نفت به ریاست بیژن نامدار زنگنه بر اساس برنامه سوم اقتصادی دولت خاتمی، قصد داشت شرکت ملی حفاری را به بخش خصوصی (صندوق بازنشستگی و پس انداز) واگذار کند.

صنعت حفاری چاه های نفت و گاز، یکی از اساسی ترین و حیاتی ترین بخش های صنعت نفت به شمار می آید. عرصه حفاری تا قبل از سال ۱۳۵۷ به طور کامل زیر سلطه شرکت های چند ملیتی بود و نفت گران ایران، هیچ گونه دخل و تصرفی در فرایند برنامه ریزی و عملیاتی آن نداشتند. پس از سرنگونی شاه، با تلاش های کارگران و کارکنان نفت کلیه کارکنان ۴۶ شرکت حفاری خارجی در مجموعه ای واحد گرد آمدند و با ملی اعلام کردن صنعت حفاری، شرکت ملی حفاری ایران را تأسیس نمودند. علیرغم این که در گرماگرم انقلاب، شرکت های چند ملیتی تعداد زیادی از دستگاه های حفاری و تجهیزات فنی و مهندسی آن را به پیمان بردند ولی با همت کارگران، ۶ دستگاه حفاری فرسوده جمع آوری و بازسازی شد و کار حفاری آغاز گشته از آن زمان کنسرن های نفتی شل و توتال شرکت مذکور را رقیب خود به حساب آورده و برای سرمایه گذاری کلان در ایران خواهان خصوصی کردن آن شده اند.

کارکنان شرکت بارها نسبت به عواقب ناگوار سپردن شرکت حفاری به بخش خصوصی هشدار داده بودند. آن ها به روشنی گفته بودند که اگر شرکت حفاری یا ۶ هزار کارکن به صندوق بازنشستگی واگذار شود از یک سو در بازار بورس بر آن چوب حراج خواهند زد و این همان پیش شرطی است که شل و توتال برای سرمایه گذاری گسترده در ایران پیش پای دولت گذاشته اند و از سوی دیگر سرنوشت کارکنان آن به دست مافیای اقتصادی و سرمایه داران رانت خوار خواهد افتاد.

اعتصاب دو هزار تن از کارگران و کارمندان شرکت در روز چهارشنبه ۲۷ مهر ماه اعتراضی کوبنده علیه واگذاری شرکت حفاری بود. کارگران و کارمندان معترض ۳ بار به صورت پیوسته جاده اهواز- مسجد سلیمان را بستند و مردم را در جریان تصمیم وزارت نفت و دلیل اعتصاب خود قرار دادند. از ساعت ۱۰ صبح همان روز ۶۰۰ تن از کارکنان دکل های حفاری نیز با خاموش کردن دستگاه های خود به صفوف اعتصابیون پیوستند. کارگران ۷۲ ساعت به بیژن زنگنه نامدار مهلت دادند تا نسبت به لغو بخش نامه واگذاری

شرکت اقدام نماید و تهدید نمودند که در غیر این صورت تمامی دستگاه ها را از کار خواهند انداخت.



اجتماع کارگران اخراجی شهرداری

در شرکت حفاری، درد مشترک دل های همه کارکنان را یکی کرده بود. سرود هم دلی و وحدت سرحداده شد و عزم ها برای ادامه مبارزه جزم شده بود. گروه گروه کارگران به مبارزه می پیوستند و مقلعات پشتیبانی کارگران گچساران از این حرکت آماده شده بود. سرانجام روز ۲ آبان ۷۹ وزارت نفت ناچار شد، از تصمیم خود صرف نظر کند دولت این بار در مقابل مقاومت یک پارچه کارکنان عقب نشست، ولی در چارچوب برنامه کلان اقتصادی خود، این طرح را دنبال خواهد کرد. تنها مقاومت شکوهمند کارگران و کارکنان می تواند از سیاست های خودسرانه دولت ها جلوگیری کند. این را یک بار دیگر همبستگی شکوهمند نفت گران نشان داد.

نمونه دیگری از مبارزات کارگران در سال ۷۹، تظاهرات کارگران کارخانه سیمین بود این مبارزه که در روزهای پایانی سال ۷۹ به وقوع پیوست، حالت اعتراض به اوضاع

سیاسی جاری را به خود گرفته. کارگران در روز دوشنبه ۱۵ اسفند به سوی ساختمان فرمانداری اصفهان راهپیمایی کردند و فریاد زدند: نان، کار، مسکن؛ این است شعار ملت! اما شعار آن‌ها به خواسته «نان» محدود نماند. آن‌ها آگاه بودند که کسب نان نمی‌تواند در تجرید از شرایط مشخص کنونی حاصل شود. در این تظاهرات، کارگران شعار 'مرگ بر استبداد'، 'آزادی اندیشه' و 'رفراندوم' هم سر دادند. بدین ترتیب در این تظاهرات، کارگران مبارزه برای نان و آزادی را در هم آمیختند و این نشان می‌دهد که کارگران اصفهان رابطه میان تحقق خواسته‌ها و نیازهای یالواسطه خود را با پیش شرط تحقق آن می‌دانستند.

تظاهرات کارگران مورد یورش نیروهای مسلح قرار گرفت. کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بنا به اخبار رسمی ۲۵ تن از آن‌ها دستگیر و روانه زندان شدند. جنبش کارگران اصفهان نشان داد که کارگران چه ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه‌ای علیه استبداد در خود نهفته دارند. بدون دخالت گسترده کارگران این بست سیاسی کنونی رفع نخواهد شد و کسانی که خود را مبارز ضد استبداد می‌دانند، باید جسارت و وسعت نظر به دست آورند و از مبارزه کارگران حمایت کنند.

صفحه‌ای از حرکت اعتراضی کارگران پرسی گاز



خانه کارگر ظاهر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری به خود می گیرد

خانه کارگر در سال ۱۳۴۸ در زمان حکومت شاه با هدف کنترل مبارزه کارگران تأسیس شد. به مرور این نهاد تحت نفوذ حزب رستاخیز در آمد و به سازمان کارگران ایران^۱ تغییر نام یافت. در گرماگرم انقلاب ۵۷ کارگران محل سازمان کارگران ایران را تسخیر کردند و آن را به اسم سابقش (خانه کارگر) نامیدند. مدت کوتاهی بعد رژیم جمهوری اسلامی بر اساس طرح های پهنستی دست به سرکوب کارگران آگاه و مبارز زد. در آن زمان کمیته ای با همین هدف تشکیل شده بود که حسین کمالی (وزیر کار فعلی)، علی رضا محبوب (رئیس خانه کارگر) و علی ربیعی (صاحب امتیاز روزنامه کار و کارگر و عضو بلند پایه سازمان امنیت) از سردمداران آن بودند. این ها در سرکوب تشکلات مستقل نقش اساسی داشتند و خانه کارگر را مجدداً به تصرف دولت در آوردند.

خانه کارگر کنونی نیز مانند خانه کارگر دوران شاه یک سازمان فرمایشی، ساخته و پرداخته دولت، حامی قدرت حاکم، ایدئولوژیک و غیر دمکراتیک است. اساساً سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، خانه کارگر را با هدف خنثی کردن و یا در نطفه خفه کردن ابتکار عمل کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل خودشان بازسازی نموده اند.

از ۳ سال پیش مسئولین خانه کارگر می کوشند به این نهاد سیمای یک سازمان صرفاً صنفی دهند. زیرا درصددند برای کنترل مبارزات و نارضایتی های گسترده کارگری، خود را به عنوان تنها بدیل فراگیر تشکلات کارگری در اذهان عمومی به ثبت برسانند. با این هدف از یک سال پیش زمره هایی برای تغییر قانون شوراهای اسلامی کار و معتدل نمودن آن سر می دهند و می خواهند این شورا ها را که کارگران از آن ها خاطرات ناگواری دارند، به عنوان سازمان های اتحادیه ای کارگری مشروعیت بخشند. از سوی دیگر در تلاش اند که همه انجمن های صنفی ثبت شده را تحت مرکزیت و قیومیت خود در آورند. به همین منظور خانه کارگر در روز ۵ شنبه سوم آذر ۱۳۷۹ اولین مجمع عمومی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران^۲ را فراخواند و از انجمن صنفی روزنامه نگاران^۳ نیز جهت حضور در آن دعوت به عمل آورد. اما انجمن مذکور که می داند با عضویت در کانون فوق استقلال خود را از دست خواهد داد، دعوت خانه کارگر را رد نمود و از شرکت در مجمع عمومی مورد نظر سر باز زد.



نوعه ای از کار تبلیغاتی جدید خانه کارگر - دعوت از خانواده های کارگری جهت صرف افطار انجمن روزنامه نگاران، اساسنامه ای که در نظر بود در جلسه مجمع عمومی به تصویب برسد را یک اساسنامه تحمیلی از سوی خانه کارگر خواند و آن چه که خانه کارگر هیئت مؤسس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران نامیده بود را زیر سؤال برد. در مقابل، خانه کارگر دست به افشای سیاست های محافظه کارانه انجمن روزنامه نگاران زد و در بیانیه ای خطاب به آن انجمن نوشت: آیا فراموش کرده اید وقتی پای حق همین کارگران ناتوا و بنا و راننده و میادین میوه و تره بار و سایر این عزیزان در قانون معافیت کارگاه های زیر پنج نفر در میان بود، گاهی به نعل و گاهی به میخ می زدید و آخر هم انجمن مدعی قانون کار شما یک بیانیه خشک و خالی جهت حمایت از این کارگران صادر نکرد. با وجود این همه گرفتاری های جامعه کارگری در موضوعات مختلف حتی موضوعی نظیر بازنشستگی پیش از موعد برای خبرنگاران، کدام حمایت را صراحتاً به عمل آوردید؟ کدام هشدارها را به مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی که هنوز بر موضع خود پسا فشاری می نماید، داده اید؟ (به نقل از کار و کارگر، ۲۳ آبان ۱۳۷۹)

خانه کارگر در همین بیاتیه، خود را تشکیلات مرکزی کارگران قلمداد کرد و نوشت: اما تأکید می کنیم که خانه کارگر بدیل تشکیلات مرکزی در فصل تشکل های کارگری و کارفرمایی (فصل ششم) قانون کار، ماده ۱۳۴ است و این خود امری پذیرفته شده توسط تشکل هاست. و با این استدلال انجمن صنفی روزنامه نگاران را متهم کرد که در کار وحدت تشکل های صنفی اخلاص می کند.

اگر چه محافظه کاری، ناپیگیری، تعلل و عدم قاطعیت انجمن صنفی روزنامه نگاران در دفاع از اعضای صنف فوق درست است، ولی مقاومت این انجمن در مقابل خواسته خانه کارگر و سرپیچی آن از پذیرش رهبری خانه کارگر اقدامی مثبت می باشد. خانه کارگر به هیچ وجه تشکل مرکزی انجمن های کارگری نیست و بیهوده می خواهد مدال کهنفراسپون تشکل های صنفی را به خود اهدا کند.

آمار و اعتراف تکان دهنده

میلیون ها کارگر ایرانی قرارداد کار ندارند

علی رضا محبوب دبیر خانه کارگر در نشست که با تشکل های کارفرمایی داشت، گفت: از ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار کارگر بیش از ۳ میلیون نفر از کارگران قرارداد کتبی ندارند. (به نقل از کار و کارگر، ۲۱ شهریور ۷۹) از این ارقام مشخص می شود که میلیونها کارگر در ایران هیچگونه امنیت شغلی ندارند و سرنوشت شان به صورت معلق در يد قدرت کارفرمایان خودسر است. این کارفرمایان به هر نحو که بخواهند با کارگران رفتار می کنند و هر زمان که اراده کنند می توانند کارگران را اخراج کنند با این حال محبوب در این نشست نگفت آمار وی در باره کارگرانی که قرارداد کتبی ندارند آیا شامل کارگران موقت هم می شود یا خیر! ۱ زیرا قراردادهای موقت هم جزو قراردادهای کتبی محسوب می شوند.

۱) محبوب در جای دیگری گفته است که "در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار کارگر قراردادی در کارگاه های کشور مشغول به کارند." (کار و کارگر، ۶ دی ۱۳۷۹) با این حساب بیش از ۴ میلیون ۴۰۰ هزار کارگر قرارداد دائمی با کارفرمایان خود ندارند.

در همین رابطه حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی اعتراف تکان دهنده ای نمود. او گفت: «اگر قراردادهای موقت کار با این روند افزایش یابند در ۱۰ سال آینده هیچ کارگر رسمی نخواهیم داشت.» (به نقل از کار و کارگر، ۱۴ (پان ۷۹) اما چه کسی بیش از خود آقای کمالی در رسمیت بخشیدن به این گونه قراردادهای نقش داشته است. در زمان وزارت همین آقا بود که وزارت کار در تاریخ ۱۵ اسفند ۷۳ بخش نامه ای صادر کرد که طبق آن استخدام کارگران موقت جنبه کاملاً قانونی و رسمی به خود گرفت. گفتنی است که بعضی از کارفرمایان کاغذی سفید بدون نوشته در مقابل کارگران می گذارند که زیر آن را امضاء کنند و آن را قرارداد موقت می نامند. یکی از اعضای شورای اسلامی سوء استفاده کارفرمایان در این گونه موارد را چنین افشا کرده است: «برخی از کارفرمایان به اجبار کارگران را به تنظیم قراردادهای موقت به صورت قراردادهای سفید و با امضای طرفین و یا در قبال اخذ سفته و چک از سوی کارگر و بدون ذکر شروع و پایان کار کارگران در آن واحد تولیدی [وادار] می کنند که در صورت کوچکترین اعتراضی از سوی کارگر به حقوق، دستمزد و... حکم اخراج صادر می شود.» (رجوع شود به کتاب پژوهش کارگری، شماره ۳، صص ۱۸-۱۷)

آخرین لحظه یک کارگر نارنجی پوش



دیروز در خیابان تختی غمان آلود
برای تفساد، یک کارگر شهردار جان
خود را از دست داد.
نوجوان آذربایجانی که به نظر
می رسید زیر ۱۵ سال سن داشته باشد
در خدمت شرکت های پیمانکاری بوده
است باید پرسید مسوول به کارگری
نودگان و نوجوانان چیست؟
بدون حضور مسئولین او را در
محل باریک وانت قرار می دهند و ماشین
حرکت می کند، وانت حرکت می کند و
در چند ثانیه ما را می بستاند و همراه آن
زندگی نوجوان نیز می ایستد.

بریده شده از کار و کارگر، ۶ دی ۷۹

شگرد دیگری که در بخش صنعت به نحو چشم گیری به کار بسته می شود، سپردن پاره ای از کارهای مراکز صنعتی به مقاطعه کاران است. در اوایل، کارهای خدماتی واحدهای تولیدی از قبیل سرویس رفت و آمد کارگران به کار، کارهای مربوط به رستوران، نظافت و نیز فعالیت های ساختمان سازی به پیمان کاران سپرده می شد، اما رفته رفته فعالیت های تولیدی کارخانه نیز به مقاطعه کاران واگذار گشت. یکی از عوارض این کار اخراج کارگران با تجربه و پر سابقه است. از سوی دیگر چون تعریف مشخصی از روابط کار در این گونه موارد پیش بینی نشده است، و این گونه کارها از موازین و مقررات معینی برخوردار نیست، سوءاستفاده هایی را جهت تضییع حقوق کارگران به دنبال داشته است. گاهاً میان مقاطعه دهنده (کارفرمای واحد تولیدی) و پیمان کار زد و بند صورت می گیرد و حقوق کارگران ضایع می شود. کارگر در این گونه موارد، هیچ مرجعی را جهت رسیدگی به مشکلاتش در مقابل خود نمی بیند و از وصول دعاوی خود از پیمان کار باز می ماند.

تعیین حداقل دستمزد سال ۸۰

از رخدادهای دیگر تعیین حداقل دستمزدها در سال ۱۳۸۰ بود. شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۷۹، اعضای شورای عالی کار که شامل سه نفر از نمایندگان کارفرمایان، سه نفر از سوی خانه کارگر و سه تن از وزارت کار می باشد، در باره حداقل دستمزد به توافق رسیدند بر اساس تصمیم آن ها حداقل دستمزد روزانه ۱۸۹۳۰ ریال تعیین شد در سال ۷۹ حداقل دستمزد ۱۵۲۶۷ ریال بود. بنابر این روزانه مبلغ ۳۶۶۳ ریال به دستمزدها افزوده شد، یعنی ماهی حدود ۱۱۰۰۰ تومان!

دولت نرخ رشد تورم در سال ۷۹ را ۱۲/۸ درصد اعلام کرده است، ولی این میزان با توجه به سبد هزینه زندگی کارگران به هیچ وجه مورد قبول کارگران نیست. زیرا اگر هم این میزان رشد تورم ساختگی نباشد، باز هم مجموعه کالاهای لوکس که به زندگی کارگران مربوط نیستند و نیز مایحتاج بسیار ضروری زندگی را تماماً در بر می گیرد. بنابر این نمی توان آن را مبنای برای افزایش دستمزدها قرار داد. خانه کارگر پذیرفته بود که نرخ رشد تورم بر اساس کالاهای مورد نیاز کارگران (مواد غذایی، پوشاک و اجاره مسکن) را ۵۵ درصد حساب کند و بر سر این میزان با کارفرمایان چانه بزند. اما قول خود را نگاه نداشت و با کارفرمایان و دولت سازش کرد سرانجام شورای عالی کار ضمن بازی با ارقام

بر سر ۲۳/۴ درصد افزایش دستمزدها به توافق رسید این میزان نه تنها با رشد بهای مایحتاج ضروری خانواده های کارگری در سال ۷۹ سازگار نیست و کاهش قدرت خرید کارگران را جبران نمی کند، بلکه حتی نسبت به تخمین هایی که در مورد نرخ تورم در سال ۱۳۸۰ زده می شود نیز پایین تر است. بنا به خوشبینانه ترین محاسبات نرخ تورم در سال جاری ۲۴/۸ در صد تخمین زده شده است. بدین ترتیب افزایش اسمی دستمزدها نه تنها افزایش بهای مایحتاج ضروری کارگران را جبران نمی کند، بلکه باز هم از قدرت خرید آنان می کاهد و باعث می شود در سال ۱۳۸۰ بیش از پیش به زیر خط فقر سقوط کنند.



کارگران زن بیمارستان امین صادلیه: حقوق مان را نمی دهند،
و لقی اعتراض می کنیم توی سرمان می ژنند.

در صنعت نفت چه می گذرد



توضیح

گفتگویی که ذیلاً از نظرتان خواهد گذشت بر گوشه هایی از شرایط زندگی، کار، مبارزه و گذران اوقات فراغت کارگران نفت پرتو می افکند و روند شکل گیری پاره ای از حرکات مهم کارگری در صنعت نفت را روشن می سازد.

از جمله موضوعات پراهمیت در این گفتگو، روشن ساختن چگونگی ایجاد تشکیلات کارگری در سال ۱۳۲۵ و ممنوع ساختن آن توسط مقامات صنعت نفت در پالایشگاه تهران می باشد. موضوع دیگر ماجرای گردهم آبی بزرگ کارگران در ۲۸ بهمن ماه ۷۵ در مقابل اداره مرکزی نفت واقع در خیابان طالقانی است. این حرکت اعتراضی از سوی نیروهای مسلح سرکوب شد، اما انعکاس وسیعی در جامعه یافت. هرگاه به خاطر آوریم که تجمع اعتراضی کارگران نفت در چه شرایطی خفقانی برگزار شد، به اهمیت آن بیشتر پی خواهیم برد. همان گونه که آگاهی طی ۳ سال اخیر پاره ای از اعتراضات کارگران به حیطه کارخانه و مؤسسه محدود نمانده و به سطح شهر گسترش یافته است، در همین راستا ما شاهد تجمعات کارگری در خیابان ها و در مقابل وزارت خانه ها یا ادارات دولتی هستیم. به نظر می رسد که کاربست این روش از سوی کارگران صنایع و مؤسسات مختلف، تحت تأثیر حرکت بزرگ کارگران صنعت نفت صورت گرفته باشد.

گذشته از رخداد های فوق که برای اولین بار از زبان یکی از کارگرانی که خود مستقیماً دستی بر آتش داشته، بازگو می شوند؛ گفتگو دارای اطلاعات گران بهایی در باره شرایط کنونی کار در پالایشگاه تهران، وضعیت کارگران تازه استخدامی و کارگران قراردادی، روحیه حاکم بر کارگران نفت، نظر آن ها در باره سید محمد خاتمی، مسئله اعتیاد در میان کارگران نفت، تشدید کنترل و مراقبت های پلیسی پس از حوادث سال ۱۳۲۵ در این صنعت و ... و... می باشد.

چا دارد در این چا از زحمات رفیق ناصر سعیدی جهت ویراستاری و تنظیم متن این گفتگو ذکری به میان آوریم.

سوال: اگر موافق باشی، بد نیست در ابتدا اشاره ای به حوادث بعد از سال های ۶۱-۶۰ که طی آن شوراهای کارگران سرکوب شدند تا سال ۱۳۲۵ در صنعت نفت بکنی.

جواب: قبل از هر چیز می خواستم به یک نکته در باره ضرورت نوشتن تاریخ مبارزه پر فراز و نشیب در صنعت نفت اشاره کنم. شاید کسان دیگری این نکته را قبلاً گفته باشند و

ما جزو آخرین نفرهایی باشیم که می گوئیم. ولی چه خوب است که تاریخچه مبارزاتی صنعت نفت مو به مو نوشته شود و یا به نوعی برای آینده گان بازگو شود. تا کسی که میخواهد وارد صنعت نفت شود، بداند وقتی غذای گرم می خورد، چه مبارزه ای پشت آن بوده. لباس کار و پوتینی که می گیرد چطور به دست آمده، حقوق اش به چه شکل به این جا رسیده. همه این مسایل باید بازگو شود که آینده گان بتوانند از آن استفاده کنند. خود من خیلی چیزها در باره مسایل سال های قبل از ۱۳۴۷ - که هنوز استخدام نشده بودم - نمی دانم. خیلی مهم است که تجربیات مبارزاتی ثبت شود و حتی برای خود کسانی که در آن شرکت داشته اند، یاد آوری شود. چون تا به حال کارگران همه راه ها را رفته اند و بهای سنگینی پرداخته اند و باید کاری کرد که حرکت های آینده کم تر هزینه و لطمه داشته باشد. خود وجود فشارها و تبعیض ها حرکت و اعتراض را به دنبال می آورد، منتها مسئله این است که حرکت ها چگونه آغاز شوند و با کم ترین تلفات به اهداف شان برسند.

بعد از انقلاب متأسفانه بعضی از دوستان مسایل عقیدتی و حزبی شان را بیش از مسایل کارگری مطرح می کردند و این باعث شد که رژیم با کوچک ترین بهانه ای که از احزاب و سازمان ها به دست آورد آن ها را دستگیر کند و محیط های کار را خلع سلاح کند. چون این ها بچه هایی بودند که پیشرو و آگاه بودند و سابقه مبارزاتی داشتند و هر کدام شان می توانستند حداقل ۱۰ نفر را آشنا به مسایل کارگری یا صنفی خودشان بکنند. بعد از دستگیری نمایندگان شورا، محیط کار دچار یک رکود عجیبی شد، چون کسی نبود که منسجم کند و سخن گو باشد کارگران هم دنبال کسی می گشتند که حرف شان را بزند و بتواند پیام شان را برساند و این باعث شد که از سال ۶۲-۶۱ که آخرین بچه ها هم دستگیر شدند و بعضی ها هم اعلام شدند، چند سالی مسایل صنفی توسط کارگران کم تر مطرح شود و خلاصه خبری در صنعت نفت نبود. حداقل من آن چنان وقت و قدرتش را نداشتم که در جای جای صنعت نفت بگردم و ببینم خبری هست یا خیر، ولی چیزی هم نشنیدم. تا آن که در سال های ۷۰-۱۳۶۹ حرکت هایی انجام گرفت که به دنبال آن ۲۰۰۰ تومان به حقوق ها اضافه شد.

در سال ۱۳۷۲ بچه ها در اکثر پالایشگاه ها - در شیراز، اصفهان، تهران و تبریز - مدت یک ماه و اندی یک وعده غذای سر کارشان را به عنوان اعتراض نمی خوردند. بعد از آن هم چند روزی دست از کار کشیدند. در آن زمان بچه ها بین خودشان مشورت هایی

داشتند که چه کسانی را به عنوان سخن گو انتخاب کنند. خود بچه ها در پالایشگاه جلساتی برگزار می کردند وقت نهار یا اضافه کاری و به قول معروف 'چراغ خاموش'، یک جایی را انتخاب می کردند چهار پنج نفری که خیلی به هم اعتماد داشتند مسایل را مطرح می کردند.

سوال: چه نتیجه ای از آن نشست ها گرفتید؟

جواب: درست است که کارکنان در اثر آن نشست ها به دستاورد چشم گیری نرسیدند و به حقوق صنفی و مادی خود دست نیافتند ولی یکی از نتایج خوبش این بود که بچه ها باز به هم دیگر اعتماد کردند. خودشان را شناختند و این که می توانند حرفی برای گفتن داشته باشند و به صورت دسته جمعی خواست شان را بیان کنند این می تواند یکی از دستاوردهای گران بها در مبارزات صنفی باشد.

آرام آرام از سال ۷۱ زمزمه هایی جهت تشکیل شورای کارگری به گوش می رسید. البته ما خواهان ایجاد سندیکا بودیم. چون شورا هایی که امروز در ایران وجود دارند، شورای خود کارگران نیستند، بلکه در آن همه شرکت دارند، از اعضای مدیریت گرفته و رؤسا تا کارگران! علاوه بر این امروز نام بردن از سندیکای کارگری نیز غیر قانونی است. به هر حال مسئله ما بیان حقوق کارگران بود و برای بیان آن احتیاج به تشکلی داشتیم و از آن جا که روی کلمه شورا حساسیت نداشتند، گفتیم نام تشکل شورا باشد.

سال ۷۵ این زمزمه ها شکل قطعی و مادی به خود گرفت. در این سال دور هم به صورت علنی جمع شدیم و آشکارا انتخاباتی برای تشکیل شورا بر پا کردیم. بنابر این جمع شدن بچه ها در سال ۷۵ برمی گردد به همان زمزمه های سال های ۷۲-۷۱. در این سال ها بود که ذهنیت ما برای ایجاد تشکل آماده گشته در ضمن در آن موقع - در جریان حرکت ها - کسی دستگیر نشد، اگر چه کم و بیش عده ای زیر نظر بودند.

جریان حرکت اعتراضی سال ۱۳۷۵

سوال: از آن جا که مبارزات سال ۷۵ کارکنان نفت، اهمیت زیادی در مبارزات سالهای اخیر کارگران ایران دارد، لطفاً در باره شکل گیری و ادامه آن به طور مفصل توضیح بده.

جواب: یکی از خواسته های کارگران در سال ۷۵ مربوط به طرح طبقه بندی مشاغل بود. طرح طبقه بندی مشاغل قبلا تصویب شده بود هر سال هم بودجه برایش تعیین می شد ولی به کارکنان چیزی نمی دادند. این مسئله برای بچه ها سوال شده بود که این بودجه نصیب چه کسانی می شود. کم کم زمینه هایی به وجود آمد و شعارهایی روی در و دیوار نوشته شد حتی نوشته می شد برای اعتراض، فلان روز تهار خورده نشود.

تا این که در مرداد سال ۷۵ عده زیادی از کارگران پالایشگاه تهران و کارگران قسمتهای دیگر نفت تهران - خطوط لوله، پخش، تأسیسات و غیره - اول جلوی خانه کارگر جمع شدند و بعد به طرف اداره مرکزی راهپیمایی کردند در آن جا آقازاده (وزیر نفت)، معاونش علی هاشمی و آقایان دیگر آمدند و صحبت کردند که به ما یک فرصتی بدهید. ما همه خواسته های تان را، حتی بیشتر از آن چه که شما می خواهید برآورده می کنیم. اما آن مدتی که خودشان مهلت خواسته بودند تمام شد و آن ها هیچ کاری نکردند. بعد از آن بچه ها تصمیم گرفتند تشکل خودشان را درست کنند. نام آن هم شورای کارگران پالایشگاه تهران بود اول قرار شد انتخابات شورا در پالایشگاه برگزار شود که نمایندگان وزارت کار به پالایشگاه نیامدند. هنگامی که بچه ها به نمایندگان وزارت کار اعتراض کردند، آن ها گفتند رؤسای پالایشگاه نمی گذارند ما به محیط کار وارد شویم. به همین دلیل بچه ها به یک باره تصمیم گرفتند خودشان به خانه کارگر بروند.

سوال: فکر نمی کنی کلکی در کار بود که شما را به خانه کارگر بکشند؟ چون یکی از مسایل قانونی این است که کارگران در محیط کار انتخابات برگزار کنند.

جواب: درست است. شاید هم کلک بود و خانه کارگری ها می خواستند از این حرکت استفاده کنند و ابتکار عمل را به دست بگیرند. آن ها از این که ما به آن جا رفته بودیم، ظاهرا خیلی خوشحال بودند. اما بچه ها می خواستند همه چیز جنبه رسمی به خود بگیرد. قبلش هم از خانه کارگر پرسیده بودند و خانه کارگر گفته بود که می توانید چنین تشکلی داشته باشید، منتها نمایندگان خانه کارگر و وزارت کار حتما بایستی حضور داشته باشند. به هر حال بچه ها وقتی آن اتحاد و همبستگی را در میان خود دیدند دیگر به مسایل پشت پرده اش فکر نکردند خودشان به یک باره بلند شدند و به خانه کارگر رفتند و پالایشگاه از کارگر تهی شد!

خلاصه همه به خانه کارگر رفتیم. آن هایی هم که از جاهای دور می آمدند، اول میخواستند از سرویس های اتوبوس استفاده کنند که جلوی شان را گرفته بودند. اما بعد به

هر طریقی که توانسته بودند، خودشان را به انتخابات رساندند. جمع بزرگی از کارگران نفت در آن جا بود از پالایشگاه تهران ۶۰۰-۵۰۰ نفر آمده بودند. از پخش و گاز تهران هم آمده بودند. من و چند نفر دیگر از بازنشسته ها هم حضور داشتیم.

سوال: انتخابات در خانه کارگر چگونه برگزار شد؟

جواب: قبلاً در بخش های دیگر صنعت نفت نمایندگان انتخاب شده بودند و در جلسه حضور داشتند و فقط انتخابات پالایشگاه تهران مانده بود. بچه های پالایشگاه چند نفر از کارگرانی که به آن ها اعتماد داشتند را کاندید نمودند. انتخابات صورت گرفت. چند تن از ریش سفیدها هم به عنوان رئیس سنی بر انتخابات نظارت داشتند. صورت جلسه هم نوشته می شد. از میان کسانی که کاندید شدند، ۵ نفر به عنوان نماینده پالایشگاه تهران انتخاب شدند. از کل صنایع نفت هم حدود ۲۰ نفر به عنوان نماینده انتخاب شدند. حتی در وهله اول همه آن ۵ نفر مورد تأیید وزارت کار قرار گرفتند. اما حراست وزارت نفت آن ها را تأیید نکرد. بعد آن ها را زیر فشار قرار داد تا استعفا دهند.

در آن مقطع وزارت نفت فشار خود را متوجه پر کنار کردن نمایندگان منتخب کارگران نموده بود، و موفقیت را برای نفی کامل شورا مساعد نمی دید. چون کارکنان پشت سر شورا بودند، و آنها ناگزیر بودند برای راضی کردن کارکنان، با نفس وجود شورا مخالفت نکنند. بعد از انتخابات شورا هم یک بار دیگر در خانه کارگر جمع شدیم. قرار شد مشکلات هم از طریق شورای کارکنان نفت عنوان شود و هم خانه کارگر در ارتباط با بیان مسایل صنفی بچه ها و گرفتن خواسته های آنان هم کاری کند. ولی خانه کارگر فقط کارش این بود که خواستار آرامش و صبر و متانت بچه ها می شد. هیچ حرکت دیگری نداشت و هیچ کاری نکرد. فقط طبق معمول می خواستند از آب گل آلود ماهی بگیرند و به نان و نوا و پست و مقامی برسند. محبوب با تک تک نمایندگان و فعالین نفت صحبت می کرد. منتهی در جامعه کارگری کسی خانه کارگر را قبول ندارد. زیرا خانه کارگری ها هر وقت مسئله ای پیش می آمد، سخنرانی می کنند که کارگران آرام بشوند.

به هر حال با فشار وزارت نفت، نمایندگان کارگران مجبور به استعفاء شدند و قرار شد دوباره انتخابات بشود. بچه ها برای این که بهانه ای وجود نداشته باشند و کارشان دنبال بشود، انتخابات مجدد را پذیرفتند. آن ها حتی تن به این مسئله داده بودند که یکی دو نفر از نمایندگان را عوض کنند. بعد از آن در رستوران پالایشگاه تهران جلسه ای برای انتخابات مجدد تشکیل شد. در آن جلسه ۱۵، ۱۰ نفر نماینده از نهادها و ارگان های مختلف

محل حراست کل، وزارت نفت، خانه کارگر و وزارت کار شهر ری آمده بودند جلسه کاملاً حالت رسمی داشت، میوه و شیرینی هم گذاشته بودند در ابتدا بچه ها خواستند به همان نمایندگان سابق خود رأی بدهند که نگذاشتند آن نمایندگان کاندید بشوند و کسانی کاندید شده بودند که جزو تازه استخدای ها بودند و بچه ها هیچ شناختی از آن ها نداشتند بچه ها وقتی دیدند وضع به این شکل است، میزها را وارونه کردند و جلسه را به هم ریختند آن ها نگذاشتند عده ای را بهشان تحمیل کنند. به طور کلی درجه آگاهی کارکنان نفت بالا رفته است. کسی نمی تواند به افراد مارک چپ یا راست بودن بزند بچه ها دیگر به این چیزها توجه نمی کنند. به گذشته و حال شخص و برنامه هایی که برای آینده دارد توجه می کنند. این که چه شخصیتی دارد؟ آیا همیشه به خاطر اعتراض حقوقش خورده شده؟ معترض بودن یکی از مؤلفه های است که بچه ها خیلی رویش حساب می کنند!

نقطه اوج مبارزات کارگران نفت (۲۸ بهمن ۱۳۷۵)

تا این که در روز ۲۶ بهمن ۷۵ از طرف کارکنان و بالاخص کارگران پالایشگاه تهران مجلس ختمی برای یکی از کارکنان شریف بانک ملی پالایشگاه تهران به نام آقای یوسفی گرفته شد چون آقای یوسفی که در تصادف فوت کرد، کار بچه ها را راه می انداخت و با آن ها خوب رفتار می کرد، کارکنان پالایشگاه به خاطر قدردانی و سپاس از او و تسلیت به خانواده اش مجلس ختمی در شهر ری گرفتند البته چون ایشان مدتی هم در بانک ملی شعبه شهر ری کار می کرد و به کارگران محبت داشت، کارگران شهر ری هم در مراسم ختم شرکت کردند ولی در عین حال قضیه این بود که همه برای حرکت ۲۸ بهمن و تجمع در اداره مرکزی نفت هم قسم بشوند در آن مراسم آقای محبوب هم آمده بود که سعی در آرام کردن و راضی کردن بچه ها داشت. او می گفت جلوی اداره مرکزی نروید، به نظام ضربه می خورد می خواست مثل گذشته با وعده و وعید سر بچه ها را کلاه بگذارد. اما حرف او خریداری نداشت و بچه ها تصمیم خودشان را گرفتند

چون حرکت خودجوش بود و شامل همه بچه ها می شد، تماس هایی هم با شهرستانها گرفته شد و آن ها هم آماده پیوستن به حرکت بودند. چون واقعاً چند سال بود که صبر و بردباری پیشه کرده بودند ولی نتیجه ای نگرفته بودند در هر حال در روز ۲۸ بهمن تعداد زیادی خودشان را از شهرستان ها به تهران رسانده بودند.

سؤال: حرکت روز ۲۸ بهمن ۷۵ در جلوی اداره مرکزی به چه شکلی پیش رفت؟

جواب: صبح زود تعداد زیادی از بچه ها در جلوی اداره مرکزی نفت واقع در خیابان طالقانی تجمع کرده بودند و شعار می دادند. تعداد کارگران به ۲۰۰۰ تن می رسید. تازه از بیوستن عده دیگری از کارکنان که بعضاً از شهرستان ها آمده بودند به صف کارگران جلوگیری می کردند. چون ساعت ۸-۷ صبح تمام راه ها را بسته بودند کارگرانی هم که موفق شده بودند در مقابل اداره مرکزی تجمع کنند یا صبح خیلی زود آمده بودند و یا توانسته بودند از موانع نیرو های مسلح بگذرند و خودشان را به محل تجمع برسانند اگر ممانعت نمی شد و راه ها باز بودند، جمعیت بسیار پیش از این ها می شد. خلاصه بچه ها شعارهایی در جهت خواسته های شان می دادند و حقوق صنفی شان را می خواستند و میگفتند که مسئله ما سیاسی نیست. واقعاً هم مسئله صنفی بود اول وقت استانداز و فرمان دار و نیروهای انتظامی، همه آمده بودند سراسر خیابان طالقانی بسته شده بود. ماشین ها ترددی نداشتند. بعد گفتند آقازاده- وزیر نفت- می خواهد در داخل ساختمان اداره مرکزی سخن رانی کند. همه داخل رفتند ولی آقازاده پیغام فرستاد که جمع را به رسمیت نمیشناسد و اصلاً نیامد صحبت کند، مدتی گذشت. چند تا از نمایندگان را قبلاً شبانه دستگیر کرده بودند ولی یکی دو تا از آنان حضور داشتند. مقامات نفت از یکی از نمایندگان خواسته بودند، از کارگران بخواهد به سر کار بروند. اما حاضرین فریاد زدند و نگذاشتند آن نماینده صحبت کند و همه خواستار آزادی نمایندگان شان شدند بعد گفتند بیاید در مسجد، مقامات در مسجد صحبت می کنند که گویا این تله ای بود و در آن جا آماده دستگیری بچه ها بودند. ده ها دستگاه اتوبوس شرکت واحد و نیروهای نظامی را آماده کرده بودند. بعد وقتی دیدند کسی به مسجد نیامد ریختند و بچه ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. ضرب و شتم شدید بچه ها از طبقه هم کف در داخل سالن شروع شد. نیروهای انتظامی- سپاه، بسیج و نیروهای اطلاعاتی- همه بودند. بعد کل بچه ها یعنی حدود ۲۰۰۰ نفر را به لوین بردند. جمع کارگری بزرگی بود. خلاصه بچه ها را به اوین بردند و از چند ساعت تا ۶-۵ روز نگه داشتند و آن ها را پس از گرفتن تعهد و ترساندن شان آزاد کردند. ولی نماینده ها و بچه های فعال از بیست و چند روز تا نزدیک به دو ماه در زندان بودند. در زمان دستگیری بچه ها، خانواده های کارگران رو به روی دادستانی انقلاب در چهار راه قصر تجمع کرده بودند و خواستار آزادی کل کارگران دستگیر شده بودند. این موضوع طی چند سال گذشته کم سابقه بود. در محیط های زندگی کارگران مثل شرکت نفت هم، چون

مسئله بهشان مربوط بود و نان آوران خانواده ها دستگیر شده بودند و زندگی شان به حقوق کارگران بستگی داشت، موضوع بین ساکنین پخش شد، چون مسئله به خیابان کشیده شده بود، کسی نمی توانست به آن رنگ و لعاب دیگری بزند، مردم هم بالطبع میدیدند و در جریان قرار می گرفتند ما می بینیم بعد از حرکت صنعت نفت که به خیابان کشیده شد در کارخانه های دیگر هم کارگران حرکت خود را به خیابان ها کشیدند ما شاهدیم که طی سالهای ۷۸ و ۷۹ بسیاری از کارگران کارخانجات دیگر به خیابان ها آمدند و تظاهرات و تحصن کردند.

می شود گفت صنعت نفت همیشه در هر حرکتی بیشتر از و بیش فراول بوده، شاید به این خاطر است که کارگران آن با یک صنعت و تکنولوژی نوینی در ارتباط هستند. به علاوه کارکنان ارتباطات خوبی با هم دارند و از تجربه گذشتگان - از علی امید گرفته تا بداله خسرو شاهی - بهره گرفته اند.

سوال: بعد از حرکت سال ۷۵ آیا به خواسته های کارگران ترتیب اثر دادند؟

جواب: پس از این که تشکل کارگری ما را منحل اعلام کردند و حرکت اعتراضی ۲۸ بهمن را سرکوب نمودند، بخشی از حقوق مان را دادند اما به آن حدی نبود که باید میدادند. مثلاً طرح طبقه بندی را که باید از سال ۶۷ پیاده می کردند و پولش را دادند، از سال ۷۳ حساب کردند. ماهانه ۹۰۰۰ تومان هم جیره خواربار دادند که نسبت به سابق ناچیز است. چون الان فقط برنج کیلویی ۵۰۰ تومان است که قبلاً ۳۰ کیلو برنج می دادند که می شود ۱۵۰۰۰ تومان. قبلاً علاوه بر برنج، روغن نباتی، شکر، نخود و لوبیا و غیره هم می دادند تشکل کارکنان را هم که همان طور که قبلاً توضیح دادم، به رسمیت نشناختند و سرکوب کردند.

اما آن مزایایی که بعد از اعتراضات سال ۷۵ اضافه کردند تکافوی زندگی را نمی داد. چون همان طور که می دانیم در آمد های حقوق بگیرها بر بنای ریال و خرج های شان به دلار است! به همین جهت می ترسیدند کارکنان دوباره اعتراض کنند. بنابراین این به تعدادی از فعالین کارگر پیشنهاد باز خریدی دادند. از طرف دیگر بعد از دستگیری ها متأسفانه جو محافظه کارانه ای در بین کارگران به وجود آمد و کسانی که عامل حرکت بودند دل سرد شدند و احساس تنهایی کردند و تعدادی از آن ها باز خرید شدن را پذیرفتند. بچه های هم سن و سال من هم که بازنشسته شدند.

کلک دیگر وزارت نفت این بود که به کارگران پیشنهاد کارمند شدن دادند، این موضوع را به اصطلاح 'تغییر وضعیت' می گویند هدف آن ها این بود که چون طبق قوانین کشوری، کارمندان از هرگونه تشکلی محروم هستند، کارگران را اسماً کارمند کنند تا در آینده هیچ تشکلی نداشته باشند متأسفانه خیلی از کارگران فریب این در باغ سبز را خوردند و قبول کردند که کارمند بشوند. می توان گفت قریب ۸۵ درصد از کارگران پالایشگاه تهران 'تغییر وضعیت' شان را پذیرفتند و کارمند شدند. ۱۵ درصدی هم که باقی ماندند به مرور باز خرید شدند و الان تعداد خیلی کمی کارگر در پالایشگاه تهران وجود دارد. بعد هم آن حقوق و مزایایی را که به 'تغییر وضعیت ها' می دادند به تدریج کم کردند.

'تغییر وضعیتی ها' نه کارمند واقعی هستند، نه کارگرند. میان زمین و هوا مانده اند. در صنعت نفت یک واژه جالبی هست که به تغییر وضعیتی ها می گویند و آن هم 'کارمند چکشی' است! چون همان کاری را انجام می دهند، که قبلاً می کردند، فقط اسم شان عوض شده. مزایایی که در اول به آن ها می دادند را هم دارند کم می کنند و با بالا رفتن تورم باز به پله اول بر می گردند و دست شان خالی می ماند. چون اضافه حقوقی که به آنها می دهند روی بیس شان (مزد پایه شان) نیست و بیس شان به همان اندازه کارگری و حتی کمتر است. پس آن اضافه حقوق به عنوان مزایا پرداخت می شود و مزایا هم که می دانیم به سادگی کم و زیاد می شود.

سوال: آیا اطلاع داری که قشری یا نیروی سیاسی ای در این جا از حرکت کارگران نفت حمایت کرده باشد؟

جواب: خیر هیچ کس! هیچ حرکت روشنفکری در ایران آن را تأیید نکرد و از آن صحبت نکرد. کسی اصلاً خبری از آن نگفت. حتی اعلامیه ای که دال بر این باشد که کارگران صنعت نفت فلان کار را کردند و دستگیر شدند و غیره، عنوان نشد. اخبار یا توسط رادیوهای بیگانه پخش می شد، یا دهان به دهان می گشت یا درد دل همان خانواده های کارگر، کاسب محل و غیره بود.

شرایط کنونی کارکنان نفت

سوال: پس از این توضیحات، خوب است به سراغ وضع فعلی کارکنان نفت برویم. ساعت کار و متوسط حقوق در صنعت نفت چقدر است؟

جواب: کارگران پنج روز در هفته - از شنبه تا چهارشنبه - کار می کنند که مجموعاً ۴۰ ساعت می شود. اگر اضافه کاری هم وجود داشته باشد، در زمستان روزی ۳ ساعت و در تابستان روزی ۴ ساعت اضافه کاری می کنند، یعنی با اضافه کاری مجموعاً زمستان ها روزی ۱۱ ساعت و تابستان ها روزی ۱۲ ساعت کار می کنند.

کارگران با سابقه اگر شانس بیاورند و ۱۲۰ ساعت در ماه اضافه کاری کنند، حدود ۱۰۵ هزار تومان دریافتی دارند. تغییر وضعیتی ها هم ۲۰-۱۰ هزار تومان بیشتر میگیرند. منتها به جز در مواقع تعمیرات اساسی، اضافه کاری برای همه وجود ندارد قبلاً حتی اگر کاری نبود بالاخره یک طوری اضافه کاری می دادند الان اضافه کاری نوبتی شده است. اگر قبلاً مثلاً به ۱۰ نفر اضافه کاری می دادند، الان می گویند برای دو سه نفر بیشتر اضافه کاری نیست. این موضوع باعث رقابت بین بچه ها شده است.

تازه استخدامی ها هم پایه حقوقشان حدود ۵۰-۴۵ هزار تومان در ماه است و دستمزدشان با مزایا حدود ۹۰-۸۰ هزار تومان می شود.

می دانی که وضع طوری است که حتی طبق گفته مقامات هم اکثر مردم زیر خط فقر هستند و حقوق ها جواب گوی زندگی کارگران نیست. به همین جهت نان آور خانه دست به مسافرخشی و تعمیرات در منازل - مثلاً لوله کشی - و کارهای دیگر می زند.

سوال: کارگران قراردادی در چه وضعیتی هستند؟

جواب: آن ها قرار دادنشان ۸۹ روزه است و اکثرشان بعد از ۸۹ روز اخراج می شوند ولی اگر کسی پارتی داشته باشد و تأییدش کنند، باقی می ماند. الان همگی ماشین نویس ها ۸۹ روز کار می کنند. کارکنان آسپزخانه همه قرار دادی هستند. در بخش حمل و نقل خیلی ها قراردادی هستند. کسانی که روی دستگاه ها کار می کنند و به اصطلاح 'ماشینیست' هستند، پیمانی هستند. مثلاً وقتی تعمیرات کلی می شود تعدادی جوش کار می گیرند و بعد از آن هم اخراج شان می کنند.